گزارش یک

رضا علیپور

منازعه فقهی مهریه روی میز قاضی‌القضات

آیت‌الله سبحانی از رئیس قوه قضائیه خواست شرط عندالمطالبه برای پرداخت مهریه از عقدنامه‌ها حذف شود

۲ هزار نفر فقط به خاطر مهریه در زندان‌ها عمرشان تلف می‌شود؛ زندانی که البته موجب استیفای حقوق زنان هم نمی‌شود. این وضعیت جامعه ما در سایر بخش‌ها هم هست: قواعد اسلامی را یا اجرا نمی‌کنیم یا نصفه و نیمه اجرا می‌کنیم و خودمان را به دردسر می‌اندازیم. با اینکه قانون مدنی یک مقرره مشخص در رابطه با مهریه دارد، مجبور شده‌ایم تا کنون دهها حذف و اضافه قانونی و آیین‌نامه‌ای داشته باشیم تا بلکه بتوانیم اوضاع نابسامان مهریه را بسامان کنیم. هنوز هم ولی هم زنان ایرانی از قوانین و دستورالعمل‌های مهریه‌ای ناراضی‌اند، هم مردان بسیاری به خاطر مهریه در زندان گذران عمر می‌کنند. خانواده که کانون اصلی مهر و محبت است، با این تظاهرهای نیم‌بند ما به اسلام و شریعت اسلامی، حالا و در مواردی به کانونی برای طرح دعواهای متعدد حقوقی تبدیل شده‌است. روز گذشته نامه‌ای از دفتر آیت‌الله سبحانی منتشر شد که در آن ایشان از رئیس قوه قضائیه خواسته‌بود وضعیت مهریه را ساماندهی کند. بعید است این نامه دغدغه‌مندانه هم راه به جایی ببرد.

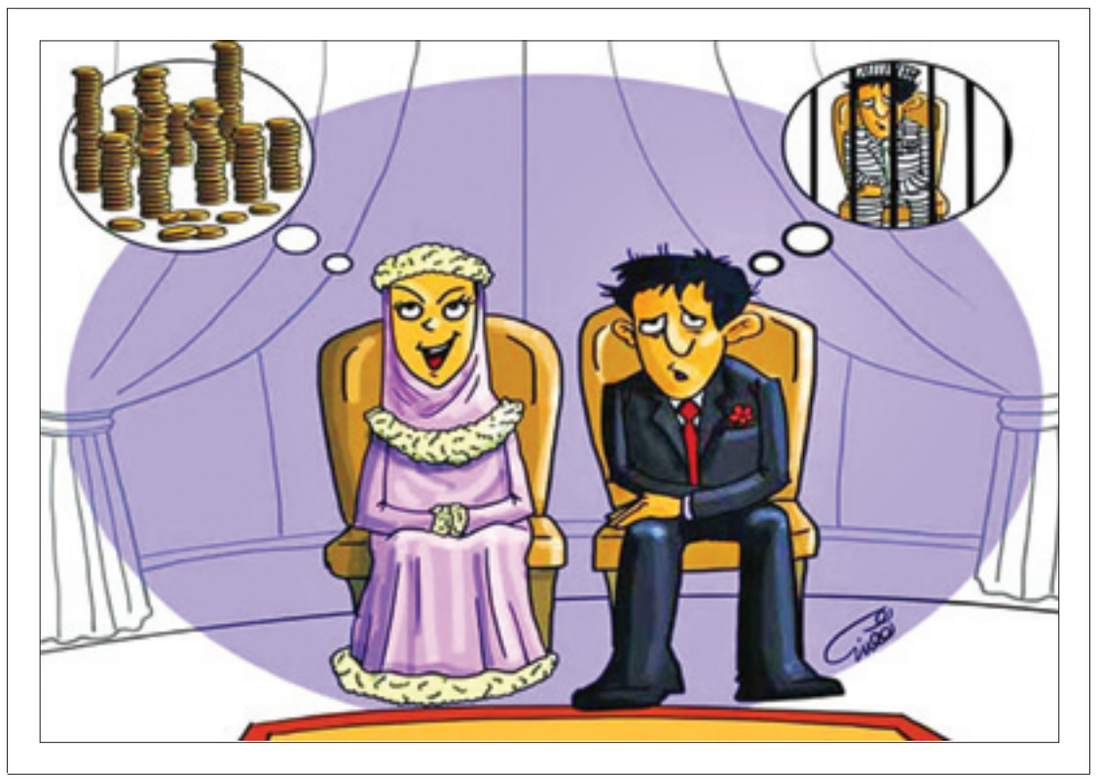

تا بحث از اصلاح قانون مهریه مطرح می‌شود، فریاد فمینیست‌های اسلامی از یک‌سو و دیدگاه‌های تنگ‌نظرانه متحجران ضدزن هم از سوی دیگر، نسخه اصلاح مهریه را می‌پیچاند. هم در رویه پیامبر و اهل بیت (سلام‌الله علیها) و هم در احادیث متعدد اسلامی بر مهرالسنه و خوش‌یمنی مهریه پایین، تأکید شده‌است، اما قانون‌گذاری‌های ما تا کنون نتوانسته است این جنبه مهم از مهریه را در جامعه ایرانی تقویت کند. اکنون مهریه و دعواهای حقوقی آن، از جلسه اول خواستگاری گرفته تا جلسه آخر دادگاه، موضوع نزاع زن و شوهر و خانواده‌های آنهاست. یک طرف چشم بسته هزار شاخه رز و هزار بوسه را مهریه می‌کند، یکی دیگر با چشم و هم‌چشمی به تاریخ شمسی و چه بسا میلادی دخترخانم، یعنی چند صد سکه مطالبه مهریه دارد!

نامه آیت‌الله سبحانی خطاب به رئیس قوه قضائیه

در نامه‌ای اخیر آیت‌الله سبحانی خطاب به رئیس قوه قضائیه، این مرجع تقلید خواسته‌اند در تمام عقدنامه‌ها، پرداخت مهریه به جای عندالمطالبه بودن، عندالاستطاعه باشد. دفتر آیت‌الله سبحانی در تشریح این نامه تنظیم آن را با هدف تبیین برخی از چالش‌های موجود در اجرای احکام مرتبط با مهریه و ارائه پیشنهادهایی برای اصلاح و بهبود روندهای قانونی دانسته و خاطرنشان شده که انتشار عمومی این نامه که در تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۳ خطاب به رئیس قوه قضائیه مرقوم شده، می‌تواند به آگاهی‌بخشی و گفت‌وگوی کارشناسی در زمینه حقوق خانواده و عدالت اجتماعی کمک کند.

در این نامه آیت‌الله سبحانی بیان کرده‌اند: در جلسه‌ای با کارشناسان رفع مشکل زندانیان مهریه و استماع سخنان آنان، به نظر رسید که موضوع را با جنابعالی در میان بگذارم تا مشکل به صورت ریشه‌ای حل شود. بخصوص استفاده در این مورد زیاد است.

این مرجع تقلید با اشاره به اینکه صحت و شرط مشروعیت مهریه آن است که مرد توانایی انجام آن را داشته باشد و شرط خلاف آن، از نظر فقهی اصولاً مشروع نبوده و الزام‌آور نمی‌باشد. این مسئله در باب شروط عقد هم مطرح شده‌است، آورده‌اند: بنابراین باید در تمام عقدنامه‌ها، پرداخت مهریه به عندالاستطاعه باشد نه عندالمطالبه و لذا زوجه به هنگام درخواست مهریه باید استطاعت زوج را در نظر بگیرد و اگر مستطیع باشد، مطالبه کند و در غیر این صورت حق مطالبه نخواهد داشت و در نتیجه کشیدن موضوع به محکمه بی‌وجه خواهدبود.

در نهایت آیت‌الله سبحانی اینگونه پیشنهاد داده‌اند که «شورای محترم فقهی خود مسئله را به صورت لایحه به مجلس بفرستد تا در صورت تصویب به محاضر ابلاغ شود که در عقدنامه‌ها قید شود که مهر عندالاستطاعه است نه عندالمطالبه.»

زندانیان مهریه

از دیرباز بخش قابل‌توجهی از جمعیت زندان‌های کشور را زندانیان مهریه تشکیل می‌دهند که اکثراً به‌دلیل آنکه در زمان عقد مهریه سنگینی را تقبل کرده و اکنون توانایی پرداخت آن را ندارند به زندان افتاده‌اند. در میان این زندانیان همه جور فردی از همه نوع قشری وجود دارد از کارگر ساده تا استاد دانشگاه هستند افرادی که مهریه‌های زیادی را اصطلاحاً در زمان مهربرون متقبل شده و با فاصله کم بعد از ازدواج یا حتی بعد از چند دهه زندگی مشترک به‌دلیل اینکه توانایی پرداخت مهریه مورد مطالبه زن را نداشته و ندارند، به زندان افتاده‌اند. طبیعی است که هر فردی تلاش خود را انجام دهد که به بند زندان نیفتد، اما اینکه فرد نه مثلاً بابت بالا رفتن از دیوار خانه مردم بلکه بابت تعهدی که در زمان شیرین ازدواج داده، مجبور شود آب خنک زندان را بخورد، یک طنز تلخ است.

همواره آمارهای متفاوتی در خصوص تعداد زندانیان کشور منتشر می‌شود؛ آمار دقیق و به‌روز برای تعداد زندانیان مهریه هم در ایران متفاوت است که براساس آن برآوردهایی وجود دارد، مثلاً در تابستان ۱۳۹۷ گفته شده حدود ۳هزار و ۶۰۰ نفر زندانی مهریه در کشور وجود دارد این آمار در تیر ۱۳۹۹ به یکباره به ۹۶۲ نفر زندانی تقلیل پیدا کرده و در اردیبهشت ۱۴۰۱ به کمتر از ۶۰۰ نفر رسیده‌است، ولی در آذر ۱۴۰۳ رئیس ستاد دیه گفته است حدود هزارو ۹۴۱ نفر زندانی بدهکار مهریه در زندان‌ها هستند. با این حال آمارها معمولاً فقط شامل کسانی است که واقعاً به دلیل ناتوانی در پرداخت مهریه یا استنکاف از پرداخت در زندان هستند. یعنی آنهایی که حکم داده شده اما توانسته‌اند با قسط، ضمانت یا مقدماتی مشکل را برطرف کنند، در این آمارها حضور ندارند.

از سوی دیگر تعریف دقیق زندانی مهریه می‌تواند متفاوت باشد؛ بعضی آمارها شامل کسانی‌اند که آزاد شده‌اند، اما هنوز محکوم به پرداخت هستند را می‌گویند و بعضی دیگر فقط زندانیان دربند را محاسبه می‌کنند.

اخیراً سیداسدالله جولایی، رئیس هیئت‌مدیره ستاد دیه کشور با اشاره به اینکه سال گذشته، ۱۱هزار و ۴۴۰ زندانی آزاد شده‌اند، خاطر نشان کرده که حدود ۳۰ درصد این زندانیان آزاده شده را زندانیان بدهکار مهریه به خود اختصاص می‌دهند. جولایی با بیان اینکه نصف زندانیان مهریه در پنج استان کشور نگهداری می‌شوند، گفت: هم اکنون ۲هزارو ۷۴۴ زندانی در ندامتگاه‌های کشور تحمل حبس می‌کنند که از این جمعیت، استان‌های تهران با ۳۴۵ زندانی، فارس با ۳۴۳ زندانی، خراسان رضوی با ۱۸۹ زندانی، اصفهان با ۱۸۶ زندانی و مازندران با ۱۳۴ زندانی تقریباً هزارو ۲۰۰ نفر از زندانیان مهریه را پذیرا هستند که تحدید در شرایط آزادی این افراد، مانند تسهیل در روند رسیدگی آنها، آثار سوئی در تزاید زندانیان خواهد داشت. رئیس هیئت‌مدیره ستاد دیه کشور با تأکید بر اینکه در آزادی زندانیان مهریه از تمهیدات قانونی نهایت استفاده را داریم، گفت: در آزادی هزارو ۱۵۴ زندانی بدهکار مهریه در پنج ماه نخست امسال، با ارائه دادخواست اعسار، از اصل بیش از ۷۶ درصد مبالغ محکوم‌به کسر شده‌است.

رویه معمول در خصوص مهریه

هر چند بنابر قول معروف فقهی و قانونی زن می‌تواند کل مهریه را هر لحظه پس از جاری شدن عقد مطالبه کند و هیچ محدودیتی در مطالبه آن وجود ندارد، اما در عمل و براساس رویه معمول دادگاه‌ها که در بسیاری از موارد از سوی شعبات اجرای احکام انجام می‌شود، تلاش می‌شود به دلیل قوانین مربوط به زندان بدهکاران و شرایط اقتصادی، رویه‌ای خاصی برای مهریه شکل بگیرد. در این رویه هر چند زن می‌تواند دادخواست مطالبه کل مهریه بدهد، ولی سقف اجرای حکم حبس بدهکار و طبق قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، فقط تا ۱۱۰ سکه ضمانت اجرای کیفری حبس بابت مهریه وجود دارد؛ یعنی اگر شوهر مهریه را نپردازد، زن می‌تواند تا سقف ۱۱۰سکه تقاضای جلب و حبس بدهد و بیشتر از ۱۱۰سکه فقط در صورتی وصول می‌شود که مرد توانایی مالی داشته باشد و اموال یا درآمدی معرفی شود. از سوی دیگر اگر شوهر توانایی پرداخت نداشته باشد، می‌تواند دادخواست اعسار بدهد و دادگاه معمولاً مهریه را قسط‌بندی می‌کند.

با توجه به اوضاع نابسامان مهریه در جامعه ما اخیراً طرحی در مجلس درباره مهریه پیشنهاد شد که بر اساس اخبار و گزارش‌ها یکی از مواد پیشنهادی در طرح این است که اگر مهریه بیشتر از ۱۴سکه تمام بهار آزادی باشد، ضمانت اجرای کیفری (مثل امکان جلب و زندان) فقط تا ۱۴ سکه اعمال شود. به عبارت دیگر، مازاد بر ۱۴سکه جنبه حقوقی/مدنی داشته باشد و صرفاً در صورت تمکن شوهر قابل مطالبه باشد. از سوی دیگر در پیشنهادات، نگهداشتن فرد در زندان به عنوان راهکار اصلی محدود یا تعدیل‌شده و در برخی موارد به جای زندان استفاده از سامانه‌های الکترونیکی مطرح شده‌است؛ مثلاً ماده‌ای در طرح می‌گوید حبس در این قانون اعم از نگهداری شخص در زندان یا محدود کردن شخص با استفاده از نظارت سامانه‌های الکترونیکی است.

در نهایت در جلسه مجلس عنوان شد که طرح مزبور با محتوای ارائه شده منطبق نبوده است و به استناد ماده ۱۹۵ آیین‌نامه داخلی مجلس، طرح جهت اصلاح به کمیسیون قضایی و حقوقی بازگردانده شده‌است. در این میان دولت نیز از مخالفان طرح بود و برخلاف این طرح موضع گرفته و تأکید کرد که کاهش مهریه به ۱۴سکه طرحی جزئی و ناقص است و نباید بدون توجه به سایر اجزای حقوق خانواده اجرا شود.

مهریه، همچنان در برزخ

پایبندی نیم‌بند ما به قوانین اسلامی، کانون گرم خانواده را هم تبدیل به کانون نزاع و درگیری کرده است. اساس مهریه، محبتی است که مرد نسبت به زن ابراز می‌کند، اما اکنون این محبت به وسیله‌ای برای تهدید و زندانی کردن تبدیل شده است. اصلاح مفاسد مهریه هم سال‌هاست اسیر دو طرز فکر اشتباه شده است؛ زن‌ستیزهای متحجر و فمینیست‌های ضداسلام.

گزارش ۲

زهرا چیذری

مکان‌یابی چشم به راه ماهواره ناوبری ملی

رئیس پژوهشگاه فضایی ایران: هیچ سیستم ناوبری جهانی (جی‌پی‌اس)، نمی‌تواند کاملاً امن باشد

بنابراین تنها راهکار مورد اعتماد برای حل معضل اختلال GPS توسعه منظومه ماهواره‌ای ناوبری ملی است

اگر شما هم راننده یکی از تاکسی‌های اینترنتی باشید یا جزو آن دسته افرادی باشید که برای پیدا کردن مسیرشان از تکنولوژی‌های به روزی همچون GPS استفاده می‌کنند حتماً متوجه اختلال جدی در مکان‌یابی شده‌اید و گاهی وقت‌ها ناگزیر شده‌اید قید استفاده از مکان‌یاب را بزنید و به روش‌های سنتی مانند کمک گرفتن از عابران، راننده‌های دیگر یا راهنمایی خود مسافران مسیر خود را پیدا کنید و به مقصد برسید! پشت‌پرده این ماجرا اما مباحث امنیتی است و اینکه ما در حال حاضر در کشور ماهواره‌های ناوبری نداریم و اختلال جی‌پی‌اس به دلیل نداشتن این نوع ماهواره‌های بومی در کشور است. طبق تأکید رئیس پژوهشگاه فضایی ایران هیچ سیستم ناوبری جهانی (جی‌پی‌اس)، نمی‌تواند کاملاً امن باشد، بنابراین تنها راهکار مورد اعتماد برای حل معضل اختلال GPS توسعه منظومه ماهواره‌ای ناوبری ملی است.

جنگ ۱۲ روزه نشان داد نرم‌افزارها و ابزار تکنولوژیکی علاوه بر مزایایی که دارند و در کنار اینکه می‌توانند زندگی ما را راحت‌تر کنند می‌توانند با چالش‌های شدید امنیتی هم همراه باشند به خصوص ابزارها و اپ‌هایی که بومی و تحت نظارت کشورمان نیستند. یکی از این موارد هم سامانه موقعیت‌یاب جهانی GPS بود که صهیونیست‌ها با استفاده از آن توانستند موقعیت افراد مورد نظرشان را شناسایی کنند و آنها را به شهادت برسانند.

GPS چیست؟

سامانه موقعیت‌یابی جهانی GPS متشکل از ۲۴ماهواره مجهز متعلق به وزارت دفاع دولت امریکاست که اطراف زمین می‌چرخند و با استفاده از اطلاعات و داده‌های ریاضی، به گیرنده‌های جی‌پی‌اس برای مکان‌یابی و حتی تشخیص زمان کمک می‌کنند. اکنون تعداد ماهواره‌ها به بیش از ۳۰ عدد افزایش یافته‌است تا دقت عمل این سیستم را بیشتر کند. گفته می‌شود گوشی هوشمند یا هر دستگاه دارای گیرنده جی‌پی‌اس که برای پیدا کردن موقعیت فیزیکی از ماهواره سیگنال می‌گیرد، محاسباتش را بر اساس زمان فرستاده‌شدن این سیگنال‌ها و مکان قرارگیری ماهواره‌ها انجام می‌دهد. حالا اگر به هر دلیلی، ساعت‌های این ماهواره‌ها حتی به اندازه یک‌هزارم ثانیه، دقیق عمل نکنند، کاربر خود را در جایی خواهد یافت که حدود ۳۰۰ کیلومتر از مکان واقعی وی فاصله دارد. این دقیقاً اتفاقی است که در زمان اختلال جی‌پی‌اس رخ می‌دهد. در حال حاضر پنج کشور به علاوه اروپا، سیستم ماهواره‌ای مکان‌یابی دارند که در امریکا از آن با نام «جی‌پی‌اس»، در روسیه با نام «گلوناس»، در چین با نام «بیدو» و در اتحادیه اروپا با نام «گالیله» از آن یاد می‌شود. در ژاپن و هند هم سیستم منطقه‌ای موقعیت‌یاب وجود دارد.

فریب و پنهان کردن اهداف

استفاده‌های نظامی و جنگی از تکنولوژی‌های مانند GPS طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود. به طور نمونه برخی تجهیزات نظامی از جمله پهپادهای تجسسی، موشک‌ها و بمب‌های هدایت‌شونده هم به سیستم‌های موقعیت‌یاب باز و بدون رمز متکی هستند و می‌توان با ایجاد اختلال در این سیستم موقعیت‌یاب، عملاً این پهپادها را فریب داد تا به هدف مورد نظر دشمن برخورد نکند. حتی می‌توان با دستکاری در جی‌پی‌اس، اهداف احتمالی دشمن را پنهان کرد و طرف مقابل را فریب داد. به همین خاطر هم مراقبت از فعالیت این مکان‌یاب‌ها تدبیری امنیتی است که در دنیا هم سابقه دارد. همچنانکه در جنگ کوتاه‌مدت هند و پاکستان و جنگ‌های عراق هم به دلایل امنیتی در سیستم مکان‌یاب اختلال ایجاد کردند.

به همین خاطر هم کارشناسان حوزه سایبری با دفاع از ایجاد اختلال عمدی در سیستم موقعیت‌یاب جهانی در مواقع بحران، معتقدند به دلیل استراتژیک بودن این سیستم‌ها، باید به دنبال نمونه بومی آن بود تا هم موقعیت فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای از دشمن مخفی بماند و هم مردم دچار مشکل نشوند. به اعتقاد این گروه، در شرایط اضطراری دولت‌ها با دو روش «جمینگ» به معنای پارازیت انداختن و «اسپوفینگ» به مفهوم جعل و دستکاری سیگنال‌ها، می‌توانند اپلیکیشن‌های مسیریابی را مختل کنند.

نا امنی در مکان‌یاب‌های جهانی

وحید یزدانیان، رئیس پژوهشگاه فضایی ایران با تأکید بر اینکه هیچ سیستم ناوبری جهانی (جی‌پی‌اس)، نمی‌تواند کاملاً امن باشد، تصریح می‌کند: «راه‌حل نهایی توسعه منظومه ماهواره‌ای ناوبری ملی است.»

وی با اشاره به اهمیت استقلال فناوری فضایی و توانمندی در ساخت ماهواره‌های بومی مسیریابی، می‌افزاید: «ما در حال حاضر در کشور ماهواره‌های ناوبری نداریم و اختلال جی‌پی‌اس GPS هم به دلیل نداشتن این نوع ماهواره‌های بومی در کشور است.»

رئیس پژوهشگاه فضایی کشور بر ضرورت طراحی و پرتاب منظومه ماهواره‌های بومی تأکید کرده و آن را راه‌حل بلندمدت برای رفع اختلالات موقعیت‌یابی و افزایش امنیت زیرساخت‌های حیاتی کشور دانسته است.

وحید یزدانیان، رئیس پژوهشگاه فضایی کشور، درباره اختلالات GPS و ارتباط آن با عملکرد ماهواره‌ها می‌گوید: «این اختلالات را به عملکرد ماهواره مرتبط نمی‌کنیم، بلکه آن را ناشی از نداشتن ماهواره بومی مسیریابی می‌دانیم. متأسفانه در سال‌های گذشته برای ساخت ماهواره‌های بومی مسیریابی اقدامات جدی انجام ندادیم و همچنان از ماهواره‌های بیگانه استفاده می‌کنیم که گاه دچار اختلال می‌شوند.»

طبق توضیحات وی البته این موضوع تنها مربوط به ما نیست؛ کشورهای دیگر هم در دنیا اقدام نکرده‌اند و کمتر از یک سال است که برخی از آنها به این فکر افتاده‌اند که به سمت ماهواره‌های بومی مسیریابی بروند. در این زمینه، چینی‌ها از چند سال پیش پیشگام بودند و در یک سال گذشته ژاپنی‌ها و انگلیسی‌ها هم وارد این حوزه شده‌اند.

یزدانیان تصریح می‌کند: «ما هم چاره‌ای جز حرکت به سمت منظومه‌های ماهواره مسیریابی بومی نداریم. اکنون همچنان کارها بر بستر GPS انجام می‌شود، اما بحث‌هایی مطرح شده که به سراغ ماهواره‌های مسیریابی چینی برویم؛ قطعاً امنیت آن بهتر است. در نهایت راه‌حل اصلی، طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره‌های بومی مسیریابی در کشور است. اگر منظومه ناوبری ویژه خودمان را داشته باشیم، می‌توانیم سیستم ناوبری، مسیریاب‌های شهری، مسیریابی قطارها، کشتی‌ها و هواپیما را به صورت بومی داشته باشیم.»

او درباره راهکارهای کوتاه‌مدت برای حل چالش دسترسی به مکان‌یاب می‌افزاید: «برای حل کوتاه‌مدت مشکل، مذاکراتی با چین انجام شده تا از ماهواره‌های مسیریابی این کشور استفاده کنیم که به نظر می‌رسد در یک تا دو سال آینده قابل دستیابی باشد، اما در افق سه تا پنج ساله حتماً باید منظومه ماهواره‌های بومی مسیریابی خودمان را داشته باشیم.»

یادداشت

مهسا گربندی

آقای وزیر! جامانده‌ها از تحصیل منتظر عملند، نه حرف

وزیر آموزش و پرورش اخیراً گفته که برای حدود یک میلیون دانش‌آموز بازمانده از تحصیل، دلایل متعددی وجود دارد، از فقر اقتصادی گرفته تا بیماری و مهاجرت. او بیان کرده که نباید اجازه دهیم حتی یک نفر از چرخه آموزش حذف شود. این حرف‌ها، البته که دلگرم‌کننده است، اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، آیا همه چیز به این سادگی است؟!

اگر واقعاً باور داریم که هیچ دانش‌آموزی نباید از تحصیل جا بماند، پس چرا آنهایی که در روستاها و مناطق کم‌برخوردار دست یاری دراز می‌کنند و با تمام علاقه می‌خواهند ادامه تحصیل دهند، هنوز مدرسه‌ای ندارند؟ چرا صدای این بچه‌ها که فقط یک فرصت برای درس خواندن می‌خواهند، شنیده نمی‌شود؟

چهار روستای کوچک حاشیه اهواز با جمعیتی بیش از ۳ هزار نفر، حتی یک مدرسه متوسطه وجود ندارد. نتیجه‌اش مشخص است؛ ۴۲ دانش‌آموز، تنها به این دلیل که مدرسه‌ای در نزدیکی‌شان نیست، از تحصیل بازمانده‌اند! آن‌هم نه به انتخاب خودشان، بلکه به اجبار محرومیت! برای رسیدن به نزدیک‌ترین مدرسه باید هر روز مسیری طولانی و خطرناک را از دل یک جاده پرتردد عبور کنند، مسیری که خانواده‌ها با نگرانی از امنیت آن، حاضر نیستند فرزندانشان را روانه‌اش کنند. از طرفی هم هزینه سرویس مدرسه آن‌قدر بالا رفته که بسیاری از خانواده‌ها از پس آن برنمی‌آیند. همین مسیر، همین هزینه، حالا به مانعی بزرگ در برابر حق آموزش این بچه‌ها تبدیل شده‌است.

و البته این ماجرا تنها مربوط به این روستا نمی‌شود، روستاهای بسیاری در سراسر کشور هستند که باید به دادشان رسید و نمی‌توان با توجیه دلایل متعددی چون فقر یا بیماری، این دانش‌آموزان را نادیده گرفت. آنها هم حق دارند، آنها هم منتظرند.

دو هفته است که سال تحصیلی جدید شروع شده، آن‌هم با حضور نزدیک به ۱۷ میلیون دانش‌آموز، که طبق قانون حق دارند درس بخوانند، بازی کنند، کنار همسالان‌شان باشند و حتی مهربانی معلم را حس کنند، اما برای برخی، این حق فقط یک رؤیاست؛ رؤیایی که خیلی زود زیر فشار مشکلات ساختاری و اجتماعی خرد می‌شود و آنها ناچارند قبل از آنکه فرصت تجربه کودکی و مدرسه رفتن را داشته باشند، خیلی زود بزرگ شوند.

اصل ۳۰ قانون اساسی می‌گوید دولت موظف است آموزش رایگان و در دسترس را تا پایان متوسطه فراهم کند، اما وقتی این اصل زیبا فقط روی کاغذ می‌ماند، بهانه‌ای می‌شود برای هزار و یک توجیه و فرار از مسئولیت! اما سؤال این است که چرا با وجود این قانون و وعده‌های مکرر مسئولان، هنوز کودکان و نوجوانانی هستند که پشت درهای مدرسه مانده‌اند؟ آیا فقر، معلولیت یا موانع فرهنگی باید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن آنها باشد؟ وقتی یک دانش‌آموز عاشق درس است و می‌خواهد یاد بگیرد، چرا دستش را نمی‌گیریم و با پنهان‌شدن پشت بهانه‌های مختلف، رهایش می‌کنیم؟

بدون شک نادیده گرفتن این مسئله، یعنی چشم بستن روی آینده‌ای که دارد گم می‌شود. تعداد زیادی از بازماندگان از تحصیل، نه به دلیل بی‌علاقگی یا ناتوانی، بلکه به خاطر محرومیت‌های ساختاری، فرصت تحصیل و رشد را از دست داده‌اند و این گسلی است که می‌تواند توسعه کشور را به تعویق بیندازد یا حتی متوقف کند.

اکنون اگر واقعاً باور داریم که هیچ دانش‌آموزی نباید جا بماند، دیگر وقت آن است که شعارها را کنار بگذاریم و به جای آن با برنامه‌ریزی دقیق، راه‌حل‌های عملی و سرمایه‌گذاری هدفمند، به این بچه‌ها در روستاهای حاشیه خوزستان و دیگر نقاط محروم کشور فرصت بدهیم.

چون آینده این کشور، نه در سخنرانی‌های پرطمطراق و آمارهای کلی، که در نگاه همین کودکان گمشده رقم می‌خورد، کودکانی که اگر به رسمیت شناخته نشوند، فردایی نخواهند داشت تا بسازند.

یادداشت

داود گودرزی*

تحول آفرینی در مدیریت شهری

افزایش ۳۶۶ دستگاه ماشین سنگین به ارزش ۴هزار میلیارد تومان به ناوگان خدمات شهری تهران، فرصتی برای واکاوی رویکرد تحول‌آفرین در مدیریت شهری هوشمند است.

این اقدام که با همکاری بخش‌های مختلف شهرداری انجام شد، صرفاً یک خرید تجهیزات نیست، بلکه نمادی از گذار از مدیریت سنتی به حکمرانی هوشمند و آینده‌نگر است.

در نگاه اول، این پروژه شامل خودروهای آتش‌نشانی، مدیریت پسماند و تجهیزات مدیریت بحران است. اما آنچه این سرمایه‌گذاری را تحول‌آفرین می‌کند، خروج از منطق مقطعی و واکنشی در مدیریت شهری است. تأکید بر تقویت مستمر ناوگان نشان‌دهنده درک این واقعیت است که شهرهای پویا مانند تهران، نیازمند سیستم‌های خدماتی چابک، مقیاس‌پذیر و پاسخگو هستند.

مفهوم کلیدی در این اقدام، تاب‌آوری شهری است. در مدیریت هوشمند، تجهیزات فیزیکی نه به عنوان ابزارهای منفک، بلکه به عنوان جزئی از اکوسیستم یکپارچه شهری در نظر گرفته می‌شوند. خودروهای آتش‌نشانی پیشرفته فقط برای اطفای حریق نیستند، بلکه حسگرهای متحرکی هستند که داده‌های ارزشمندی برای پیش‌بینی و مدیریت بحران تولید می‌کنند. همین منطق در مورد ناوگان مدیریت پسماند نیز صادق است که می‌تواند به سامانه‌های بهینه‌سازی جمع‌آوری زباله متصل شود.

توصیف این پروژه به عنوان ذیل راهبرد مدیریت هوشمند و آینده‌نگرانه حاکی از تغییری پارادایمی است. در گذشته، سرمایه‌گذاری‌های شهری غالباً در پاسخ به مشکلات موجود صورت می‌گرفت، اما رویکرد تحول‌آفرین بر پیش‌بینی نیازهای آینده و طراحی راه‌حل‌های پایدار متمرکز است. این ناوگان جدید نه تنها نیازهای فعلی پایتخت را پوشش می‌دهد، بلکه ظرفیت پاسخگویی به چالش‌های آتی یک کلانشهر پویا را نیز داراست.

بیان اینکه این اقدام عملی کردن وعده بهبود کیفیت زندگی است، نشان می‌دهد مدیریت شهری هوشمند صرفاً به فناوری محدود نمی‌شود، بلکه غایت آن ارتقای رفاه شهروندان است. خدمات به موقع آتش‌نشانی، مدیریت کارآمد پسماند و پاسخگویی سریع در بحران، همگی مستقیماً بر شاخص‌های کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارند.

در مجموع، این سرمایه‌گذاری کلان زمانی قدم مهم در تحول مدیریت شهری مخصوصاً در حوزه سخت‌افزاری است. البته ما معتقد هستیم برای تحول همه‌جانبه باید شبکه‌ای از تحولات را رقم بزنیم تا در قالب آن مدیریت هوشمند و کارآمد شهر محقق شود. این اقدامات را ما در چارچوب یک راهبرد جامع هوشمندسازی در حال پیگیری هستیم.

ذیل رویکرد هوشمندسازی به دنبال مشارکت دادن بیشتر شهروندان در مدیریت شهر هستیم. یعنی نگاهی تحولی را محدود به حوزه سخت‌افزاری نکردیم و در حوزه نرم‌افزاری هم برنامه‌های مختلفی را در دست پیگیری داریم. یکی از این برنامه‌ها طراحی و راه‌اندازی سامانه‌های داده‌کاوی و پایش یکپارچه شهروندی است تا این سامانه‌ها زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در کیفیت بخشی خدمات شهرداری شود.

ما در شهرداری تهران باور داریم رونمایی از بزرگ‌ترین ناوگان خدماتی زمانی به تحقق مدیریت شهری هوشمند می‌انجامد که هر یک از این تجهیزات، حلقه‌ای از زنجیره اکوسیستم دیجیتال شهر باشند و نه ابزارهایی منفک و جزیره‌ای. معنای واقعی تحول‌آفرینی در مدیریت شهری هوشمند ایجاد اکوسیستم است و ما روز شنبه با رونمایی از این ناوگان گسترده گام مهم و تأثیرگذار در این زمینه را برداشتیم، اما همچنان نیازمند گام‌های دیگری هم هستیم که در دستور کار قرار دارد.

*معاون خدمات شهری شهرداری تهران